



پیامدهای سیاسی پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) برای کردها

اعظم محمدی خسروی^۱، بهزاد شاهنده^۲، سید اسدالله اطهری^۳، داوود هرمیداس باوند^۴

چکیده

پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ)، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های سدسازی جهان است، که در مناطق کردنشین ترکیه اجرا می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش کرده‌ایم با به کارگیری تکنیک دلفی و در چارچوب نظریه امنیت باری بوزان به این پرسش پاسخ دهیم که «پیامد پروژه گاپ برای مشارکت سیاسی کردها و هویت ملی ترکیه چیست؟» پاسخ به این پرسش در قالب فرضیه پژوهش این گونه است که «پروژه گاپ می‌تواند سبب افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش فعالیت‌های پ.ک.ک، تغییر وضعیت مبارزه کردها از فاز نظامی به فاز سیاسی شود، اما نمی‌تواند ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه را در پی داشته باشد». نتایج بررسی بر پایه روش دلفی با 60 درصد آراء حاکی از عدم تأثیر این پروژه بر کاهش مبارزات پ.ک.ک، با 73 درصد آراء بیانگر پیامدهای

مقاله پژوهشی

واژگان کلیدی:

گاپ، کرد، هویت، دلفی، ترکیه



۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. miskhosravi@yahoo.com، 0000-1000-2877-8035

۲. استاد (مدعو)، گروه علوم روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) berniukchina@yahoo.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران. Athary.asadolah@yahoo.com، 0000-1000-2506-4776

۴. استادیار (مدعو)، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Bavand.perela80@gmail.com

منفی پروژه بر هویت کردی، و با 82 درصد آراء بیانگر این است که این پروژه سبب ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه نمی‌شود. پروژه گاپ تأثیر ملموسی بر فعالیت پ.ک.ک و مشارکت سیاسی مردم کرد نداشته و تغییر در این موارد، ناشی از متغیرهای دیگر است. این پروژه، پیامدهای منفی بر هویت کردی داشته است که از آشکارترین این پیامدها، تخریب آثار باستانی کردها به‌عنوان بخشی از هویت آن‌ها بوده است. به‌دلیل انکار هویت کردی توسط دولت ترکیه و اعمال خشونت، نبود قرابت نژادی، فرهنگی، تاریخی و زبانی کردها با ترک‌ها و استقرار اجباری کردها در داخل مرزهای سیاسی ترکیه، بحران هویت ملی رخ داده و استفاده از روش‌هایی چون همگون‌سازی فرهنگی و پروژه‌هایی همچون گاپ، به‌دلیل نگاه امنیتی دولت به مناطق کردنشین، نمی‌توانند سبب ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه شود.



The Assessment of Political Implications of Southeastern Anatolia Project (GAP) on Kurds

Ezem Mohammadi Khosravi⁵, Behzad Shahandeh⁶, Athary, asadolah asadolah⁷, David Hermidas Bavand⁸

Abstract

Southeastern Anatolia Project (GAP) is one of the largest dams in the whole world, located in Turkish Kurdistan. Delphi method and Barry Buzan's regional security complex theory were used as our research methods. The question we're addressing in this study is "what are the implications of GAP for Kurds' political participation and Turkey's national identity?" Based on the research hypothesis, the answer to the research question is that GAP can improve Kurds' political participation, reduce PKK activities, and change the military nature of Kurds' attempts to political ones. But GAP won't lead to a common national identity in Turkey. Delphi results with 60% of the vote suggested that GAP has no impact on PKK activities and it hasn't improved the political participation of Kurds. Delphi results with 73% of the vote indicated the negative effects of GAP on Kurdish identity. Also, Delphi's results with 82% of the vote showed that GAP didn't lead to a common national identity in Turkey. GAP had not any significant effect on PKK activities and Kurds' political participation, and these are affected by other parameters. GAP has adverse consequences for Kurdish identity including the destruction of Kurdish antiquities which are a part of their identity. The identity crisis in Turkey is the result of the denial of Kurdish identity by the Turkish government and acts of violence, lack of racial, cultural, historical, and linguistic affinity of the Kurds with the Turks, and the forced inclusion of the Kurds within the political borders of Turkey. Therefore, due to the suppressive attitude of the Turkish government toward Kurdish regions, approaches such as assimilation and projects like GAP will not yield a common national identity in the country.

Keywords: GAP, Kurds, Delphi Method, Identity, Turkey.

5 . Phd Student, Department political Science and Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

6 . Full professor, Department of political science and law, university of Tehran, Tehran, Iran, berniukchina@yahoo.com

7 . Assistant professor, Department of political science , Takestan Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

8 . Assistant professor, Department political Science and Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



۴۲۸

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقدمه

ترکیه پرآب‌ترین کشور منطقه آسیای غربی است که رودهای تمدن‌ساز دجله و فرات از مناطق کردنشین آن سرچشمه می‌گیرند. این کشور در قالب پروژه گاپ⁹ اقدام به سدسازی‌های گسترده‌ای بر روی این رودها کرده است که هدف آن، توسعه مناطق کردنشین و تأمین انرژی موردنیاز اعلام شده است. اما پیامدهای زیست‌محیطی و تخریب آثار باستانی کردها در نتیجه اجرای این طرح، اعتراضات بسیاری را در پی داشته است و با توجه به این اعتراضات، بسیاری از شرکت‌های اروپایی از ادامه همکاری در آن خودداری کرده‌اند. جمهوری ترکیه از زمان تشکیل تا امروز با مسئله کردی و بحران هویت روبه‌رو بوده است و یکی دیگر از اهداف این طرح نیز حل مسئله کردی و جذب کردها است. آنچه در پروژه گاپ اهمیت دارد، وجود مسائل آب و کرد است. خاورمیانه با کم‌آبی، تفاوت‌های قومیتی و تعارضات ایدئولوژیک روبه‌رو است و مسئله اصلی در آینده آن، مسئله آب و کرد است. وزیر امور خارجه وقت ترکیه در این باره بیان کرده است: «مسئله خاورمیانه که بیشتر تا حد زیادی بر معادله فلسطین-نفت تمرکز داشت، در ده سال اخیر به معادله کرد-آب تبدیل شده و در این راستا تلاش‌هایی انجام شده که تا حد زیادی نیز موفق بوده است» (Davutoglu, 2016, 426). با توجه به بحران هویت در ترکیه و استفاده این کشور از سیاست‌های آبی برای حل مسئله کردی، بررسی پیامدهای سیاسی پروژه گاپ بر کردها و ایجاد هویت مشترک در ترکیه، اهمیت ویژه‌ای دارد. مسائل آب و کرد برای کشورهای ایران، عراق، و سوریه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هرگونه سیاست ترکیه در قبال کردها، بر کردهای کشورهای یادشده نیز تأثیرگذار خواهد بود.

ترکیه یکی از بحرانی‌ترین کشورهای منطقه از منظر هویتی است که با نقض تمامیت ارضی همسایگان خود، از جمله سوریه و عراق، تلاش می‌کند بحران هویتی و امنیتی خود را به این کشورها انتقال دهد.

در این پژوهش، تأثیرات سیاسی گاپ بر کردها و هویت ملی ترکیه بررسی شده است. «پروژه گاپ چه پیامدهایی برای مشارکت سیاسی کردها و هویت ملی ترکیه داشته است؟» پاسخ این پرسش در چارچوب فرضیه پژوهش این است که «پروژه گاپ می‌تواند سبب افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش فعالیت‌های پ.ک.ک، تغییر مسیر مبارزه کردها از فاز نظامی به فاز سیاسی شود و نمی‌تواند ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه را در پی داشته باشد». در این پژوهش در راستای پاسخ به پرسش پژوهش و بررسی فرضیه سعی شده است ابتدا بحران هویت ملی در ترکیه و نقش آب در مسائل امنیتی خاورمیانه با استفاده از نظریه امنیت باری بوزان و اکاوی شده و سپس با استفاده از روش دلفی و دیدگاه‌های خبرگان به پرسش پژوهش پاسخ داده شود.

9 . Güneýdoğru Anadolu Projesi(GAP)

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره گاپ در سه دسته پژوهش‌های فارسی، انگلیسی و ترکی قابل تقسیم‌بندی هستند که هر یک از آنها جنبه خاصی از این پروژه را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های فارسی، بیشتر جنبه حقوقی و پیامدهای زیست‌محیطی گاپ بر کشورهای همسایه ترکیه و حوضه دجله و فرات را مطالعه کرده‌اند.

عصاری (2018) در پژوهشی با عنوان «آثار حقوقی پروژه گاپ بر تعهدات دولت ترکیه نسبت به دجله و فرات» پس از بررسی آثار حقوقی پروژه گاپ، اقدامات ترکیه در مورد رودهای دجله و فرات را ناقص تعهدات پیمان صلح لوزان (ژوئیه 1923) و ماده نخست اعلامیه حقوق بشر، نقض مواد 26، 27 و 29 قطعنامه رعایت جوامع بومی (UNDPPIR) و نیز کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زدایی (UNCCD)¹⁰ می‌داند.

قمرنیا و گلچین (2017) در پژوهشی با عنوان «بررسی پروژه‌های گاپ و سد ایلیسو ترکیه و اثرات آن بر ایران و کشورهای خاورمیانه» تأکید کرده‌اند که سدهای احداث‌شده بر روی دجله و فرات توسط ترکیه، پیامدهای مخربی داشته است که برخی از آنها عبارتند از: محروم شدن حدود 700 هزار هکتار از زمین‌های کشور عراق از آبیاری، نابودی بیش از 6/5 میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی عراق و سوریه، ایجاد کانون‌های فرسایش بادی و تولیدگردوخاک و حرکت آن به سوی ایران، زیر آب رفتن و محو آثار باستانی مناطق کردنشین ترکیه، از بین رفتن 300 کیلومتر از خاک ترکیه و کوچ هزاران نفر از کردهای جنوب شرقی آناتولی، خشک شدن هورهای سه‌گانه، تبدیل تالاب هورالعظیم به بزرگ‌ترین کانون بحران ریزگرد در منطقه، درگیر شدن 25 استان غربی و مرکزی ایران با معضل ریزگرد، نابودی اروندرود و زوال تمدن در خاورمیانه.

قائم‌مقامی (2017) در پژوهش خود با عنوان «بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط زیست ایران» بیان کرده است که با بهره‌برداری از سد ایلیسو و در صورت جلوگیری دولت ترکیه از ورود آب دجله و فرات به عراق، آب تالاب هورالعظیم کاهش یافته و در جنوب غرب ایران، فاجعه زیست‌محیطی رخ می‌دهد.

مرادی طادی (2017) نیز در پژوهشی با عنوان «آب و سیاست؛ نگاهی به فرایند سیاسی شدن آب» تأکید کرده است که احداث سد آتاتورک بر روی رودخانه فرات که از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین سدهای پروژه گاپ یاد می‌شود، در بروز خشکسالی و کم‌آبی شدید در سوریه، که از حدود سال 2006 آغاز شده است، نقش داشته است.

شهرابی فراهانی (2017) در مقاله «پایین دستی‌های گاپ؛ گزارشی از پیامدهای ترکیه در عراق و سوریه» اشاره کرده است که در سال 2002 یک گروه غیردولتی متشکل از 3 سازمان انگلیسی



با سفر به عراق و سوریه، پژوهشی را درباره پیامدهای بالقوه سد ایلسو بر حوضه پایین دست انجام داده‌اند که نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از این بود که پروژه گاپ، سبب کاهش آب ورودی و همچنین، کاهش کیفیت آن و افزایش شوری حوضه پایین دست رودخانه‌های دجله و فرات می‌شود و اجرای کامل گاپ، پیامدهای منفی فراوانی خواهد داشت. اقدامات ترکیه در تضاد با توافق نامه‌ها و پروتکل‌های امضاء شده بین این کشور و کشورهای حوضه دجله و فرات و همچنین، نقض قوانین بین‌المللی است.

محمدی خسروی و همکاران (2020) در پژوهشی با عنوان «پروژه آناتولی جنوب شرقی در بستر بحران هویت ملی ترکیه»، بحران هویت در ترکیه را با استفاده از نظریه لوئیس بررسی کرده و بیان کرده‌اند که پروژه گاپ، تأثیری بر حل بحران هویت در ترکیه ندارد.

پژوهش‌های ترکی انجام شده در این باره، بر جنبه توسعه‌ای و اقتصادی گاپ تأکید کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های ییلگن و مصطفی سونمز، اقتصاددان ترکیه‌ای، اشاره کرد. ییلگن (2018) مقاله‌های فراوانی را درباره جنبه توسعه‌ای پروژه به زبان ترکی و انگلیسی منتشر کرده است که به عنوان نمونه می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) از 1977 تا 2017؛ تجزیه و تحلیل چند بعدی و کیفی 40 سال پروژه گاپ» اشاره کرد. وی بر این نظر است که گاپ در دهه 1970 بیشتر یک طرح توسعه اقتصادی، فنی، دولتی، و زیرساختی بوده که بعدها تکامل یافته و به طرحی عمدتاً سیاسی، اجتماعی، تجاری، پایدار و انسان‌محور تبدیل شده است و بسیاری از اهداف و مفاهیم و فعالیت‌های انجام شده با عنوان گاپ، مانند تولید انرژی، سدسازی، آبیاری، پایداری، توانمندسازی زنان و امنیت با یکدیگر تضاد دارند. گاپ هرگز یک طرح یکپارچه نبوده است، بلکه چتری بوده است که طیف گسترده‌ای از پروژه‌های فرعی را دربر گرفته است.

سونمز (2010) در پژوهش خود با عنوان «افزایش فقر در شرق و جنوب شرقی و راه‌حل: صلح» تأثیرات گاپ را بر شاخص‌های اقتصادی مناطق کردنشین بررسی کرده است. نتایج این پژوهش، حاکی از عدم بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه گاپ است.

پژوهش‌های انجام شده به زبان انگلیسی، تأثیر پروژه گاپ را بر پ.ک.ک، زنان، و... به صورت موردی بررسی کرده‌اند. میجر (2018) در پژوهشی با عنوان «پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) ضد شورش و درگیری آب» نشان داده است که ترکیه، گاپ را طرحی برای افزایش رفاه مردم آناتولی جنوب شرقی معرفی می‌کند، در حالی که مقصود نهایی ترکیه از احداث آن، از بین بردن پ.ک.ک است و از گاپ به عنوان یک ابزار جنگ علیه پ.ک.ک استفاده می‌کند.

تسکالیدو (2013) در پژوهشی با عنوان «پروژه بزرگ آناتولی: مدیریت آب برای کردهای ترکیه یک داروی چاره‌ساز یا بحرانی مضاعف؟ امنیت جدید؛ تغییری آسیب‌زا برای محیط زیست و برنامه امنیتی» هدف از ساخت 11 سد گاپ در استان‌های حکاری و سیماک در مرز عراق را



جلوگیری از عبور و مرور مبارزان پ. ک. ک می‌داند و یکی از پیامدهای آن را در سطح منطقه، متلاشی شدن سوریه عنوان کرده است.

کورت (2013) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر پروژه آنتولی جنوب شرقی (گاپ) بر خانواده‌های آوارگان: معیشت خانوارها و روابط جنسیتی»، به‌طور موردی سد بیرسیک را بررسی کرده است؛ زیرا، این سد تنها سدی است که طرح اسکان دوباره و بازسازی به‌منظور به‌حداقل رساندن آثار جابجایی بر جوامع آسیب‌دیده را برنامه‌ریزی و اجرا کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساخت سد، اثرات متفاوتی بر افراد گوناگون دارد و کسانی که وضعیت اقتصادی مناسب‌تری دارند، انعطاف بیشتری را در برابر آن نشان داده‌اند و شرایط مناسب‌تری برای تحصیل و اشتغال زنان ایجاد شده است.

با وجود اینکه یکی از دلایل اصلی اجرای پروژه گاپ، حل مسئله کردی و ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه است، پژوهش قابل توجهی درباره این موضوع انجام نشده است. در پژوهش حاضر تلاش کرده‌ایم، جنبه مغفول گاپ، یعنی تأثیر آن بر مسئله کردی و ایجاد هویت ملی مشترک را به روش دلفی و با استفاده از نظریه امنیت باری بوزان بررسی کنیم.

۲. چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب نظریه امنیت باری بوزان انجام شده است. امنیت به‌لحاظ لغوی به‌معنای حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی)، و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است (Buzan & Waever, 2009, 53). امنیت برای هیچ‌کس به‌طور کامل فراهم نیست و به ندرت کسی پیدا می‌شود که بیش از مدت قابل پیش‌بینی به زندگی ادامه دهد. به‌طور کلی، امنیت به سرنوشت گروه‌ها و مجموعه‌های بشری مربوط می‌شود و تنها در حالت ثانوی و فرعی، امنیت شخصی افراد بشر را دربر می‌گیرد. در سطح نظام بین‌الملل، واحد استاندارد امنیت، همان دولت دارای حاکمیت و قلمرو است (Buzan & Waever, 2009, 34). بوزان، امنیت اجتماع‌های بشری را به پنج مقوله امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی تقسیم کرده است. امنیت ملی نیز مسئله محوری و اصلی واحدهای فرهنگی-قومی به‌شمار می‌آید.

توسل به امنیت ملی به‌منظور توجیه اقدامات و سیاست‌های دولت - که در صورت نبود چنین توجیهی، ضرورت آن‌ها باید با ارائه شواهد مستدل اثبات شود - ابزار سیاسی بسیار ساده‌ای را برای دفاع از منافع گوناگون انواع دولت‌ها فراهم می‌کند که به کمک این اهرم، انواع راهبردهای افزایش قدرت در اختیار نخبگان سیاسی و نظامی قرار می‌گیرد. سیاست سرکوب که در بسیاری از کشورهای جهان سوم، نقش بنیادینی در اداره امور امنیتی دارد، در قالب حفظ وحدت ملی، تمامیت ارضی، و توسعه و پیشرفت، توجیه‌های عقلانی و عامه‌پسندی می‌یابد و چهره زشت خشونت دولتی را می‌پوشاند (Buzan & Waever, 2009, 10). تهدیدهای دولت‌ها علیه افراد



رامی توان به چهار طبقه کلی تهدیدهای ناشی از وضع و اجرای قوانین داخلی، تهدیدهای ناشی از اقدام سیاسی یا اداری مستقیم دولت علیه افراد یا گروه‌ها، تهدیدهای ناشی از تلاش‌های مربوط به کنترل دستگاه دولت، و تهدیدهای ناشی از سیاست‌های خارجی دولت تقسیم کرد (Buzan & Waever, 2009, 61). خشونت سیاسی (دولت) می‌تواند به رویه‌ای مستمر و بومی تبدیل شود؛ مانند وضعیت ترکیه در اواخر دهه 1970 که درگیری‌ها و ترورهای جناحی در آن، سبب بروز تلفاتی در سطح جنگ‌های تمام‌عیار شد و سرانجام، به اعمال حکومت نظامی شدید در سال 1978 انجامید (Buzan & Waever, 2009, 64). هیچ‌گونه هماهنگی الزامی‌ای بین امنیت فردی و ملی وجود ندارد و باید به موضوع گریزناپذیری تناقض بین امنیت فردی و ملی توجه داشته باشیم. پیگیری امنیت فردی، اثرات گوناگونی بر امنیت ملی می‌گذارد. در مواردی که دولت و اتباع آن به شدت در تعارض هستند، پریشانی داخلی ممکن است انسجام دولت را از جنبه‌های گوناگونی تهدید کند و این امر، کاربرد مفهوم امنیت ملی را با مشکل روبه‌رو می‌کند (Buzan & Waever, 2009, 68).

ملت‌ها محصول تاریخ مشترک هستند. یک الگوی ناب از «ملت-دولت» نیازمند این است که ملت بردولت برتری داشته باشد و موجب زیست آن شود (مانند ژاپن، آلمان، ...). اما بررسی انحصاری گروه دولت‌ها نشان می‌دهد که تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها با این الگو هماهنگی دارند. برخی ملت‌ها، مانند کردها و فلسطینیان، دولتی ندارند و بسیاری از ملت‌ها نیز بین دولت‌های پرشماری تقسیم شده‌اند (مانند کره‌ای‌ها، ...). برخی دولت‌ها مانند هند، دربرگیرنده چندملت هستند. ملت‌ها مانند دولت‌ها، ویژگی‌های تغییرپذیری دارند. چون فرهنگ و نژاد، قابل شکل گرفتن است، دلیلی ندارد که دولت‌ها همان‌گونه که خود توسط ملت‌ها به وجود می‌آیند، نتوانند ملت‌هایی را ایجاد کنند. ایالات متحده، نمونه بسیار خوبی است که در آن سرزمین‌ها و اقوام گوناگون به صورت ملتی خودساخته، که حاصل اقدام هوشیارانه حکومت است، ترکیب شده‌اند (Buzan & Waever, 2009, 93). یکی از پیامدهای این وضعیت (ملت‌سازی در جمعیت‌های ساکن که هویت قومی-فرهنگی آن‌ها اغلب با دولت یکی نیست) بروز زمینه‌های کشمکش گسترده بین ملت‌های طبیعی و تلاش حکومت‌ها برای ایجاد ملت‌هایی است که با مرزهای دولت مطابقت دارند. جنگ‌های داخلی در نیجریه، اوگاندا، بروندي، اتیوپی، سودان، و برمه، کشمکش‌های کردها در ایران، ترکیه، و عراق و ناآرامی ملی گرایان در شوروی [سابق]، همگی نمونه‌هایی از این موضوع هستند. با توجه به اینکه دولت اغلب تهدیدی برای ملت به‌شمار می‌آید، این کشمکش‌ها گویای تناقض در مفهوم امنیت ملی است. هویت ملی - با دولت همراه باشد یا نباشد - یکی از اجزای محوری مسئله امنیت به‌شمار می‌آید. قدرت مداوم هویت ملی به‌عنوان نیرویی بسیج‌کننده، از رویدادهای تبت و سریلانکا گرفته تا استونی و یوگسلاوی آشکار است. هویت ملی به‌عنوان یک معرف رفتار شخصی می‌تواند باعث تقویت



شدید یا نابودی جدی دولت شود (Buzan & Waeber, 2009, 93).

بوزان، چهار الگوی روابط ملت-دولت را این گونه ترسیم کرده است: نخست، حالتی است اصیل مانند مجارستان، ایتالیا، و ژاپن که ملت بر دولت اولویت دارد و نقش اساسی را در به وجود آوردن دولت ایفا می کند. دوم، حالت دولت-ملت که دولت، نقش محوری ای در ایجاد ملت دارد. این الگو از بالا به پایین است. این حالت برای جمعیت‌هایی که از نقاط دیگر آمده‌اند تا سکنه یک قلمرو کم جمعیت را تکمیل کنند، مناسب‌تر است. الگوی سوم، به «ملت-دولت نسبی» مربوط می شود. در این حالت، یک ملت بین دو یا چند دولت تقسیم شده است و جمعیت هر یک از آن‌ها تا حدود زیادی از ملت واحد و یکپارچه‌ای ترکیب شده‌اند (مثل کره‌ای‌ها، چینی‌ها، و یونانیان). این الگو در بر دارنده ملت‌هایی مانند کردها و فلسطینی‌ها که بین چند دولت تقسیم شده‌اند، ولی در هیچ یک حاکم نیستند، نمی شود. الگوی چهارم، «دولت چند ملیتی» است. این حالت، ناظر بر دولت‌هایی است که در برگیرنده دو یا چند ملت تقریباً کامل درون مرزهای قلمرو خود هستند. دو الگوی فرعی درون این الگو وجود دارد که ارزش تفکیک دارند و می توان آن‌ها را «دولت فدراتیو» و «دولت امپریال» خواند. دولت فدراتیو، دست کم به لحاظ نظری، ملت-دولت را به عنوان الگوی آرمانی نمی پذیرد. منظور از فدراتیو تنها اشاره به ساختار سیاسی فدرال نیست، بلکه هدف، دولت‌هایی است که شامل دو یا چند ملت هستند، بدون اینکه بکشوند تا یک پوشش ساختگی دولت-ملت بر آن‌ها تحمیل شود. ملیت‌های جداگانه می توانند و حتی تشویق می شوند که هویت‌های خاص خود را حفظ کنند و تلاش می شود تا ساختار دولت به گونه‌ای تنظیم شود که هیچ یک از ملیت‌ها بر کل ساختار دولت حاکم نشود (مانند کانادا). دولت‌های امپریال، دولت‌هایی هستند که یکی از ملت‌های تشکیل دهنده آن‌ها بر ساختارهای دولت مسلط است و آن را به نفع خود سامان داده است. ملت مسلط ممکن است تلاش کند تا ملیت‌های دیگر را از راه‌های گوناگون و متفاوتی سرکوب کند. این روش‌ها از کشتار گرفته تا جذب فرهنگی و قومی را در بر می گیرد که هدف از همه آن‌ها، تبدیل شدن به چیزی شبیه دولت-ملت است.

بسیاری از دولت‌های ضعیف^{۱۱} در کشورهای جهان سوم یافت می شوند که یکی از دلایل این مسئله، استعمارزدایی است. شرایطی که در دولت‌های ضعیف با آن‌ها روبه‌رو می شویم و حضور هر یک از آن‌ها، سبب تردید در مورد قوی بودن دولت می شود، شامل سطوح بالایی از خشونت سیاسی (افغانستان، کامبوج، اسرائیل، سریلانکا، آفریقای جنوبی، و اتیوپی)، نقش مشکوک پلیس سیاسی در زندگی روزمره مردم (شوروی، رومانی، چین، عراق، و کره شمالی)،

۱۱. منظور از دولت قوی / ضعیف (weak/strong state) میزان توانایی دولت در ایجاد انسجام سیاسی و اجتماعی است و هدف از نیروی ضعیف و قوی (weak/strong power) توانایی نظامی و اقتصادی در مفهوم سنتی آن است.



کشمکش سیاسی گسترده بر سر ایدئولوژی سازمان‌دهنده دولت (پرو، السالوادور، لهستان، افغانستان)، فقدان هویت انسجام‌یافته ملی یا حضور هویت‌های ملی رقیب در دولت (نیجریه، ایتوبی، سودان، ترکیه، آفریقای جنوبی، یوگسلاوی، شوروی و سریلانکا)، فقدان سلسله‌مراتب روشن و مشهود اقتدار سیاسی (لبنان، سودان، چاد، اوگاندا، یوگسلاوی به گونه‌ای روزافزون)، و میزان بالایی از کنترل دولت بر رسانه‌های جمعی (نیکاراگوئه پیش از 1990، چین، ایران، آلمان شرقی پیش از سال 1989) است.

همان‌گونه که بوزان اشاره می‌کند، میراث سیاسی بسیاری از دولت‌های جهان سوم در نتیجه فرایند استعمارزدایی، ملت بدون دولت و بدتر از آن، دولت‌هایی با چندین ملت است. ترکیه یکی از نمونه‌های آشکار دولتی با چندین ملت است؛ دولتی متشکل از دو ملت کرد و ترک که با گذشت نزدیک به یکصد سال از تشکیل جمهوری ترکیه، هنوز نتوانسته‌اند یک هویت مشترک ایجاد کنند. قسمت بزرگی از مناطق کردنشین ایران در جنگ‌های صفویه و عثمانی از ایران جدا شده و به قلمرو عثمانی اضافه شده‌اند. این بخش، پس از جنگ جهانی دوم و تجزیه عثمانی، بر پایه قرارداد سایکس پیکو بین انگلیس و فرانسه، و پس از پایان قیمومیت این دو کشور، بدون توجه به مرزهای فرهنگی و قومی، بین سه کشور نوبنیاد ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شدند. سرزمین‌های کردنشین برخلاف میلشان و به‌رغم مبارزات استقلال، به سبب بدعهدی آتاتورک و نادیده گرفته شدن قرارداد سور پس از کنفرانس لوزان، به ترکیه واگذار شدند. از زمان تشکیل جمهوری ترکیه در سال 1923، به سبب به رسمیت نشناختن هویت کردی توسط دولت‌های ترک و عدم پذیرش هویت ترکی توسط مردم کرد این کشور، بحران هویت ملی وجود دارد و تا امروز، ترکیه موفق به ایجاد یک هویت ملی مشترک نشده است. در جمهوری ترکیه، زبان و فرهنگ ترکی و مرزهای سیاسی به عنوان ملاک هویت ملی در نظر گرفته شده است. آتاتورک تلاش کرد تا با تحمیل زبان ترکی و حذف زبان کردی، یک هویت مشترک ملی ایجاد کند. فروغی درباره دلیل گرایش آتاتورک به پان‌ترکیسم از او سؤال می‌کند و او پاسخ می‌دهد: «ما مثل شما ایرانیان، دولتمداری و تاریخ دیرینه نداریم و ناچاریم برای خود هویتی ایجاد کنیم (Maleki, 2017, 25). سایر سیاستمداران ترکیه نیز این سیاست آتاتورک را پیگیری کردند. اردوغان در روز جشن زبان ترکی در تاریخ 26 سپتامبر 2019 گفته است: «زبان ترکی که در میان زبان‌های نادر جهان جای دارد، در این خاک‌ها که قرن‌هاست میزبان تمدن‌های متفاوتی بوده است، سبب تشکیل فرهنگ ملی و هویت ملی شده است» (Trt, 2019). این سخنان اردوغان در کشوری که بیش از یک سوم جمعیت آن غیرترک هستند و وجه اشتراک فرهنگی، نژادی، و تاریخی با ترک‌ها ندارند و از زمان تشکیل این کشور حاضر به پذیرش دولت‌های آن نبودند، به روشنی نمایانگر بحران هویت و عدم درک بحران در این کشور و نبود اراده لازم برای حل آن است. مرزهای سیاسی کشورهای جدیدی چون جمهوری ترکیه، بدون توجه به مرزهای





فرهنگی و قومی ایجاد شده و در نتیجه، موجب ضعف این کشورها و اعمال خشونت داخلی گسترده این دولت‌ها بر ملت‌های غیر مسلط شده است. دولت ترکیه انواع تهدیدهای مطرح شده توسط بوزان را علیه ملت کرد در درون مرزهای سیاسی خود و خارج از آن اعمال کرده است و این اقدامات را با بهانه حفظ امنیت ملی توجیه می‌کند. الگوی جمهوری ترکیه، «دولت چندملیتی» است و ملت مسلط ترک در ترکیه کوشیده است که ملت کرد را از راه‌های مختلف و متفاوت از کشتار گرفته تا جذب فرهنگی و قومی - سرکوب کند. این دولت امپریال در برابر تقسیمات ملی خود آسیب‌پذیر است؛ زیرا، فاقد تاریخ و هویت مشترک با کردها و در معرض چالش‌های جدی هویت و امنیت ملی است. دولت جمهوری ترکیه، همان‌گونه که بوزان بیان کرده است، به دلیل فقدان هویت انسجام یافته ملی، در جایگاه دولتی ضعیف قرار دارد.

بوزان در کتاب «مناطق و قدرت‌ها» در توضیح منطقه خاورمیانه، محرک شکل‌گیری منازعات در خاورمیانه را منازعات سنتی سرزمینی، رقابت‌های ایدئولوژیک، رقابت بر سر موقعیت و قدرت، و شکاف‌های فرهنگی و قومی دانسته و می‌گوید، منازعه بر سر نفت، آب و مذهب نیز با موارد یاد شده در هم آمیخته‌اند. با وجود اینکه در خاورمیانه چارچوب دولتی مسلط است، این چارچوب مصون از چالش‌های داخلی نیست؛ جایی که شماری از بازیگران فرودولتی به عنوان بازیگران امنیتی‌کننده، نقش مهمی را در سطح منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کنند. آشکارترین نمونه‌های این شرایط، سازمان‌های فلسطینی و کردی هستند (Buzan, 1999, 108). کردها با جمعیتی بیشتر از 25 میلیون نفر که در ترکیه، سوریه، ایران و عراق پراکنده‌اند و در داخل نیز به جنبش‌های شورشی و قبایل متخاصم تقسیم شده‌اند. در دوران جنگ سرد، تنها فضای مانور باقی‌مانده برای کردها، در نتیجه رقابت بین دولت‌ها ایجاد شده بود. ایران و عراق از کردهای یکدیگر و سوریه نیز از کردهای ترکیه حمایت می‌کرد (Buzan, 1999, 109). ایران، ترکیه و عراق، همگی در سیاست همواره‌آزاردهنده کردی، نقش نظامی و سیاسی ایفا کرده‌اند. مشکل دیرپای آب نیز به مسائل نظامی-سیاسی این منطقه اضافه می‌شود؛ هرچند تعیین‌کننده آن‌ها نیست. در شامات، مشکل آب نه تنها در کانون روابط اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها (که بیشتر مربوط به نحوه تقسیم آب است) بلکه در کانون روابط اسرائیل با اردن، سوریه و لبنان و روابط اردن-سوریه نیز قرار دارد. اسرائیل، اردن، و فلسطینی‌ها در فوریه 1996 بر سر اعلامیه اصول همکاری در مسائل آب، توافق کردند. مسائل مربوط به حقاب، عقب‌نشینی اسرائیل از لبنان و مذاکرات اسرائیل با سوریه بر سر عقب‌نشینی از تپه‌های جولان (که هر دو از اصلی‌ترین منابع تأمین آب اسرائیل هستند) را پیچیده‌تر کرده است و به فرض تشکیل یک دولت فلسطینی، مشکلات باز هم بیشتر خواهد شد. به‌طور مشخص برای اسرائیل، فلسطینی‌ها و اردن، حقوق آب می‌تواند به‌راحتی به موضوع مرگ و زندگی تبدیل شود (Buzan, 1999, 123). این مشارکت در متوسل شدن ترکیه به زور در مقابل سوریه در سال 1998 که سبب قطع حمایت سوریه از کردهای

ترکیه و اخراج عبدالله اوجالان - رهبر پ.ک.ک - شد، نقش آشکاری داشت. طرح‌های وسیع سدسازی ترکیه بر روی دجله و فرات، برتری آن را نسبت به عراق و سوریه افزایش داده و ثروت آبی آن ممکن است به حل یا بدتر شدن مشکلات آب منطقه کمک کند (Buzan, 1999, 124). مسائل دیگری نیز در منطقه وجود دارند که از آشکارترین آن‌ها، حقوق آب در شامات و بین‌النهرین و مسائل اجتماعی (مسائل هویتی، مذهبی و قومی که اقلیت‌ها، آوارگان و کارگران مهاجر را تحت تأثیر قرار می‌دهند) است. به‌عنوان یک قاعده، مسائل امنیتی غیرسنتی به سادگی در چارچوب رقابت‌ها و منازعات بین‌دولتی موجود، جذب شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، عراق، سوریه و ترکیه یا اسرائیل، سوریه و اردن کوششی برای تفکیک اختلاف‌های آبی خود از رقابت‌های ایدئولوژیک و قدرت، که روابط آن‌ها را خصمانه‌تر کرده است، انجام نمی‌دهند. منازعات آبی با سیاست‌های بین‌دولتی موجود گره خورده است. اصلی‌ترین استثناهای این فرایند تاکنون، فلسطینی‌ها و کردها بوده‌اند (Buzan, 1999, 128). یکی از راهکارهای دولت ترکیه برای غلبه بر ضعف فقدان هویت انسجام یافته ملی و تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، پروژه گاپ بوده است. در ادامه با معرفی روش دلفی، تأثیر پروژه یاد شده بر ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه و پیامدهای سیاسی ناشی از آن، به‌ویژه برای کردها مورد بررسی قرار دادیم.

۳. پروژه گاپ و کردها

مهم‌ترین سیاست آبی ترکیه، اجرای پروژه گاپ (پروژه آناتولی جنوب شرقی) بر روی دجله و فرات است. آتاتورک در سال 1930 زمینه‌های لازم را برای اجرای گاپ فراهم کرد. اهداف این پروژه عبارتند از: ساخت 19 نیروگاه برق، 22 سد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات به همراه توسعه شبکه‌های آبیاری برای تولید انرژی و آبیاری 1/8 میلیون هکتار زمین. درحالی‌که ترکیه ادعا می‌کند که گاپ، یک طرح توسعه منطقه‌ای است که با فراهم کردن انرژی برق و آبیاری، وضعیت اقتصادی-اجتماعی منطقه را بهبود می‌بخشد، اما به دلیل پیامدهای منفی آن بر محیط زیست، میراث فرهنگی و جمعیت منطقه، مورد انتقاد قرار گرفته است. سیاست‌های آبی ترکیه هدف‌هایی مانند حل بحران داخلی این کشور و تأمین انرژی را دنبال می‌کند. ترکیه در تأمین انرژی مورد نیاز خود، دچار مشکل شده است و با استفاده از آب، به عنوان یک ابزار، آن را همچون نفت، کالایی فرض می‌کند که می‌تواند با نفت همسایگانش معاوضه کند. سلیمان دمیرل - نخست‌وزیر وقت ترکیه - در مصاحبه مطبوعاتی‌ای در سال 1992 اعلام کرد: «کشورهایی مثل عراق و سوریه حق ندارند سیاست‌های آبی ترکیه را سرزنش کنند؛ همان‌گونه که ترکیه حق ندارد سیاست‌های نفتی این کشورها را نکوهش کند. دجله و فرات و شانه‌های آن، آب‌هایی هستند که از کشور جاری می‌شوند و به ترکیه تعلق دارند. ترکیه نیز هرگونه که مایل باشد، از آب‌هایش استفاده می‌کند» (Tabnak, 2017). رجب طیب اردوغان - رئیس‌جمهور ترکیه - نیز در سال 2014 در اجلاس آب، خطاب به کشورهای نفت‌خیز منطقه گفت: «شما



نفت دارید و ما آب» (faratab, 2015).

از احداث سد آتاتورک بر روی رودخانه فرات به عنوان یکی از عوامل خشکسالی و بحران در کشور سوریه یاد می‌شود. در ایران نیز گردوغبارهای ناشی از سیاست‌های آبی ترکیه به شدت بر مناطق غربی و جنوب غربی کشور تأثیر می‌گذارد. با توجه به سکونت اقلیت‌های قومی در این مناطق، ناتوانی دولت در مهار ریزگردها، زمینه انتقال و تشدید اختلاف‌های قومی و مهاجرت را فراهم می‌کند که در صورت کنترل نشدن می‌تواند کشور را با بحران امنیتی و حاکمیتی روبه‌رو کند. یکی دیگر از اهداف پروژه گاپ، حل مسئله کردی در ترکیه است. منطقه جنوب شرقی آناتولی یا مناطق کردنشین ترکیه، دچار محرومیت، توسعه نیافتگی، و عقب ماندگی شدید هستند که یکی از دلایل آن را می‌توان خشونت دولتی و نگاه امنیتی به این مناطق دانست. این محرومیت‌ها و خشونت‌ها سبب شکل‌گیری گروه‌های مبارز کردی شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها، پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان) است. یکی از روش‌هایی مورد نظر ترکیه برای مقابله با پ.ک.ک و حل بحران هویت، پروژه هیدروپلیتیک گاپ بوده است. ترکیه با اجرای این پروژه در مناطق کردنشین، چند هدف را دنبال می‌کند: 1) تأمین انرژی مورد نیاز خود با استفاده از ظرفیت آبی این مناطق و برنامه توسعه آب محور 2) استفاده از ابزار آب در منطقه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای 3) حل مسئله کردی.

ترکیه از چند راه در پی حل مسئله کردی با استفاده از پروژه گاپ است: 1) توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق کردنشین و به تبع آن، کاهش گرایش مردم کرد به استقلال‌طلبی و احزابی مانند پ.ک.ک. 2) تخریب آثار باستانی کردها و از بین بردن آثار تاریخی و هویتی آن‌ها به منظور پذیرش هویت ترکی 3) ایجاد موانع طبیعی در مسیر مبارزان پ.ک.ک و قطع ارتباط آنان با مناطق کردنشین کشورهای عراق و سوریه¹². نامه محرمانه تورگوت اوزال - رئیس‌جمهور پیشین ترکیه - به نخست‌وزیر وقت - سلیمان دمیرل - در سال 1993، نشان‌دهنده استفاده از آب و پروژه گاپ علیه پ.ک.ک است. در این نامه نوشته شده است: «با تخلیه شهرک‌های کوهستانی، گروه تروریستی پ.ک.ک از مردم جدا می‌شود و نیروهای امنیتی باید بی‌درنگ وارد شوند و چنین مناطقی را به کنترل کامل درآورند. به منظور جلوگیری از بازگشت مردم محلی به منطقه، باید تعداد زیادی سد ساخته شده و جایگزین آن‌ها شود» (Meijer, 2018, 8). بر این اساس، 11 سدگاپ در استان‌های حکاری و سیماک در مرز عراق، به منظور جلوگیری از عبور مبارزان پ.ک.ک ساخته شده‌اند (Tsakalidou, 2013). 4) کنترل بیشتر منابع توسط دولت، افزایش وابستگی مردم کرد به دولت و ایجاد هویت ملی.

۱۲. ترکیه در حال حاضر به منظور قطع ارتباط پ.ک.ک با مناطق کردنشین ایران، اقدام به احداث دیوار بتنی الکترونیکی در مرز ایران و ترکیه، با توجه جلوگیری از ورود آوارگان افغان، کرده است.



۴. تکنیک دلفی

دلفی، نام معبدی در یونان باستان است که الهه آن به پیش‌بینی و پیش‌گویی آینده مشهور بود. این تکنیک، ابتدا مبتنی بر حدس و گمان بود. ولی در سال 1950 برای بررسی علمی دیدگاه‌های کارشناسان در طرح دفاعی ارتش، از این روش استفاده شد و دالکی و هلمر¹³ در سال 1963 به‌طور رسمی تکنیک دلفی را معرفی کردند. این روش از میانه دهه 1990 به‌عنوان یک روش مطالعه در پژوهش‌های دانشگاهی، به‌گونه‌ای گسترده استفاده شد (Skulmoslai, 2007, 6). زمانی از این روش استفاده می‌شود که حل یک مسئله، نیازمند توافق و اجماع گروهی از خبرگان و متخصصان باشد. انتخاب خبرگان، یکی از مهم‌ترین مراحل روش دلفی است. افراد انتخاب شده باید دارای دانش و تخصص باشند و اعتبار نتایج دلفی به دانش و شایستگی این افراد بستگی دارد. ابزار مورد استفاده در این شیوه، پرسشنامه‌های متمرکز شده همراه با بازخورد کنترل شده است. روش دلفی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تکنیک دلفی به ابزارها و روشی برای ایجاد اجماع با استفاده از پرسشنامه به‌منظور گردآوری داده‌های حاصل از نشستی از شرکت کنندگان منتخب، گفته می‌شود» (Habibi, Sarafrazi & Izadyar, 2014, 8). دیدگاه‌ها درباره تعداد اعضای گروه دلفی، متفاوت است. هوگارت، بر این نظر است که 6 تا 12 عضو برای تکنیک دلفی ایده‌آل است. برخی از پژوهش‌های مبتنی بر روش دلفی، کمتر از 10 عضو را در نشست‌های خود در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر، بیش از 100 شرکت‌کننده را منظور کرده‌اند (Somerville, 2008, 20). اجزای اصلی دلفی عبارتند از: تکرار یا بازگویی، پرسشنامه، متخصصان، بازخورد کنترل شده، گمنامی، تجزیه و تحلیل نتایج، اجماع، زمان و گروه هماهنگ‌کننده. این درحالی است که لانگ¹⁴، تنها چهار ویژگی پرسشنامه‌های ساختارمند، تکرار، بازخورد کنترل شده و ناشناس و گمنام بودن پاسخ‌دهندگان را برای گروه دلفی برشمرده است که از میان نتایج، چهار ویژگی ناشناس بودن، تکرار، بازخورد کنترل شده و گزارش آماری نتایج، همیشه ثابت هستند (Woudenberg, 1991, 50). دلفی در بردارنده دوره‌ها است و تا رسیدن به توافق ادامه می‌یابد. دلفی کلاسیک معمولاً در بردارنده چهار دور است که به‌طور معمول به سه دور تعدیل می‌شود و در پژوهش‌های پرشماری نیز بین 2 تا 3 دور گزارش شده است. فن و چنگ¹⁵ با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیده‌اند که سه دور برای تکنیک دلفی کافی است (Pashaei, 2007, 65).

در پژوهش حاضر از دیدگاه‌های خبرگان دلفی در سه دور و با به‌کارگیری پرسشنامه استفاده شد. مدت گردآوری پرسشنامه‌ها پنج ماه بود. پرسشنامه دور نخست از دو بخش تشکیل شده بود. بخش نخست، شامل ویژگی‌های فردی و دموگرافیک مانند جنس، سن و تحصیلات بود.

13 . Delphi and Dalkey

14 . Lang 1994

15 . Fan and CHang

بخش دوم پرسشنامه، دربردارنده پنج پرسش به صورت پرسش های باز بود. پس از گردآوری پرسشنامه های دور نخست، نتایج این دور، جمع بندی و به همراه 11 پرسش طراحی شده برای گروه فرستاده شد تا به این پرسش ها بر پایه نتایج دور نخست پاسخ دهند. پس از دریافت پرسشنامه های مرحله دوم، نتایج را تحلیل کرده، درصد پاسخ ها را به دست آورده، و در قالب پرسشنامه سوم به گروه بازخورد دادیم تا دیدگاه های خود را بر پایه آن بیان کنند. پس از مرحله سوم، نتایج به دست آمده، با توجه به توافق ایجاد شده نهایی شدند. ترکیب اعضای گروه دلفی در جدول شماره (1) براساس کشور محل سکونت، در جدول شماره (2) بر پایه ملیت و در جدول شماره (3) براساس ویژگی های گروه بیان شده است. افراد صاحب نظر و خبره با همکاری استادان محترم انتخاب شدند و از هر یک از افراد درخواست شد تا افراد صاحب نظر و تجربه دیگری را معرفی کنند که به این ترتیب، اعضای نهایی گروه دلفی به 17 نفر رسید. در جدول شماره (1)، ترکیب اعضای گروه دلفی بر پایه کشور محل سکونت مشخص شده است که بیشترین درصد آن مربوط به ایران با 58 درصد و کمترین آن، متعلق به اتریش با 6 درصد است.

جدول شماره (۱). ترکیب گروه دلفی بر پایه کشور محل سکونت

کشور محل سکونت	فراوانی	درصد
ایران	۱۰	۵۸
ترکیه	۴	۲۴
کانادا	۲	۱۲
اتریش	۱	۶
کل	۱۷	۱۰۰

در جدول شماره (2) ترکیب اعضای گروه دلفی بر پایه ملیت مشخص شده است که بیشترین درصد آن ها، ایرانی با 70 درصد و کمترین آن ها، سوری با 6 درصد بوده اند.

جدول شماره (۲). ترکیب گروه دلفی بر پایه ملیت

ملیت	فراوانی	درصد
ایرانی	۱۲	۷۰
ترکیه ای	۴	۲۴
سوریه ای	۱	۶
کل	۱۷	۱۰۰

در جدول شماره (3) ویژگی های گروه دلفی بیان شده است. به لحاظ جنسیت، اکثریت (94 درصد) مرد بوده اند. به لحاظ رده سنی، اکثریت با 47 درصد بین 40 تا 49 سال قرار دارند. به لحاظ تحصیلات، دکتر با 70 درصد، بیشترین افراد را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۳). ویژگی های افراد گروه دلفی

متغیر / جنس	فراوانی	درصد
مرد	۱۶	۹۴
زن	۱	۶
سن		
۲۹ ساله و کمتر	۱	۶
۳۰-۳۹ ساله	۳	۱۸
۴۰-۴۹ ساله	۸	۴۷
۵۰ سال و بالاتر	۵	۲۹
میزان تحصیلات		
کارشناس	۳	۱۸
کارشناس ارشد	۲	۱۲
دکتر	۱۲	۷۰

میزان پاسخ گویی گروه دلفی در ۳ دور در جدول شماره (۴) مشخص شده است.

جدول شماره (۴). میزان پاسخ گویی گروه دلفی

دور	تعداد پرسش نامه های توزیع شده	تعداد پرسش نامه های تکمیل شده	درصد
دور اول	۱۷	۱۳	۷۶
دور دوم	۱۳	۱۱	۸۵
دور سوم	۱۱	۱۰	۹۱

۵. یافته های پژوهش

۵-۱. تأثیر پروژه گاپ بر مبارزات حزب پ.ک.ک و استقلال خواهی و مشارکت سیاسی کردها از زمان تشکیل جمهوری ترکیه تا امروز، میان مردم کرد ترکیه و گروه های مبارز کردی مانند پ.ک.ک با دولت آن، همواره جنگ وجود داشته و حل مسئله کردی، یکی از دغدغه های اصلی دولت های ترک بوده است. میزان فشار وارد شده بر کردها بسیار شدید بوده و از هرگونه حقوق اجتماعی و سیاسی محروم بوده اند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، مشارکت سیاسی کردها بهبود یافته و حتی دارای حزب شده اند. هم زمان با این تحولات، پروژه گاپ ترکیه نیز حدود چهل سال است که در مناطق کردنشین در حال اجرا است. پرسش هایی که مطرح می شود این است که «پروژه گاپ چه تأثیری بر تغییر مشارکت سیاسی کردها و پ.ک.ک داشته و دارد؟» «آیا در تغییرات ایجاد شده مؤثر بوده است؟» با توجه به اینکه پروژه های سدسازی می توانند با تغییر و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور سبب افزایش

مشارکت سیاسی افراد جامعه و کاهش درگیری‌های مسلحانه شوند، فرضیه پژوهش این گونه مطرح شد که «پروژه گاپ سبب تغییر جهت حرکت مبارزات حزب پ.ک.ک از فاز نظامی به فاز سیاسی و تعدیل خواسته استقلال خواهی و افزایش مشارکت سیاسی مردم کرد می شود».

در این پژوهش تلاش شده است که این فرضیه با استفاده از دیدگاه‌های خبرگان بررسی شده و به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده شود.

فرضیه پژوهش در دور نخست دلفی در قالب یک پرسش مطرح شد:

"پروژه گاپ ترکیه چه پیامدی برای پ.ک.ک، به ویژه جنبه استقلال خواهی این گروه و سایر جنبش‌های کردی و افزایش مشارکت سیاسی مردم کرد ترکیه دارد؟"

پاسخ‌های داده شده به این پرسش در دور نخست، در دور دوم، طبقه بندی شده و به اعضا بازخورد داده شد. نتایج دور دوم نیز در پرسشنامه دوسوم برای اعضای دلفی فرستاده شد. پرسش‌های دور دوم و سوم و نتایج آن‌ها در جدول‌های شماره (5) و (6) ارائه شده است.

جدول شماره (۵). نتایج پاسخ به پرسش‌های دور دوم دلفی

ردیف	پرسش	درصد پاسخ‌های بله	درصد پاسخ‌های خیر	درصد پاسخ‌های مشروط	درصد پرسش‌های بی پاسخ
۱	به نظر شما، هیدروپلیتیک ترکیه باعث کاهش عضوگیری‌های پ.ک.ک شده است؟	۵۵ درصد	۹ درصد	۲۷ درصد	۹ درصد
۲	به نظر شما هیدروپلیتیک ترکیه سبب افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش درگیری‌های مسلحانه گروه‌های کردی با دولت، و کاهش گرایش‌های استقلال طلبانه شده است؟	۵۵ درصد	۲۷ درصد	۹ درصد	۹ درصد

جدول شماره (6). نتایج پاسخ به پرسش‌های دور سوم دلفی

ردیف	سوال	موافقم	مخلفم
۱	هیدروپلیتیک ترکیه سبب کاهش عضوگیری‌های پ.ک.ک شده است.	۴۰ درصد	۶۰ درصد
۲	هیدروپلیتیک ترکیه سبب افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش درگیری‌های مسلحانه گروه‌های کردی با دولت، و کاهش گرایش‌های استقلال طلبانه شده است.	۵۰٪	۵۰٪

نتایج دلفی با 60 درصد آراء حاکی از عدم تأثیرگذاری پروژه گاپ بر عضوگیری پ.ک.ک است. درباره تأثیر گاپ بر افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش گرایش‌های استقلال طلبانه و کاهش درگیری‌های مسلحانه، توافق قطعی وجود ندارد. 50 درصد اعضای دلفی، موافق تأثیرگذاری گاپ بر این موارد با پیش فرض توسعه اقتصادی در منطقه بوده و بر این نظرند که اجرای طرح یاد شده باعث بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش بیکاری شده است که این موارد زمینه ساز کاهش عضوگیری‌های پ.ک.ک شده و می تواند این گروه و گروه‌های مسلح

دیگر را از مسیر تنش و مبارزه مسلحانه به سوی تعامل و گفت‌وگو سوق دهد. هیدروپلیتیک ترکیه سبب نزدیکی کردها به حکومت مرکزی و کاهش محبوبیت گروه‌های مسلح کرد می‌شود. این اعضاء افزایش مشارکت سیاسی کردها را ناشی از توسعه اقتصادی و افزایش سطح درآمد آن‌ها می‌دانند و بر این نظرند که توسعه اقتصادی، وابستگی به حکومت مرکزی را افزایش داده و به تبع آن، سبب کاهش میل به استقلال‌خواهی خواهد شد. آثار رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال برای جوانان، موجب کم شدن تمایل آنان به پیوستن به گروه‌های مخالف می‌شود و به نظر می‌رسد که بیشتر عضوگیری‌های پ.ک.ک در استان‌های مرزی و فقیر انجام می‌شود و ادامه سیاست‌های هیدروپلیتیک ترکیه در جنوب شرق این کشور، باعث کاهش عضوگیری‌های پ.ک.ک می‌شود. این افراد گفته‌اند که تکمیل پروژه گاپ، سبب مهاجرت معکوس حدود یازده میلیون نفر به منطقه جنوب شرق ترکیه خواهد شد که این شرایط به نوبه خود، سبب تغییر وضعیت اقتصادی-اجتماعی منطقه می‌شود و در یک جغرافیای کردی توسعه‌یافته و یکپارچه به جای سازمان‌های مسلحانه و مبارزه، به‌طور طبیعی فعالیت‌های دموکراتیک و قانونی مطرح خواهد شد. 50 درصد اعضای دیگر نیز معتقد به افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش درگیری‌های مسلحانه و گرایش‌های استقلال‌طلبانه هستند، اما آن را ناشی از پروژه گاپ نمی‌دانند. زیرا، بر این نظرند که پیش فرضی که پروژه گاپ را در این موارد مؤثر می‌داند، توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه است. با توجه به اینکه در منطقه گاپ، این توسعه رخ نداده است، پس گاپ در افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش گرایش‌های استقلال‌طلبانه و کاهش درگیری‌های مسلحانه تأثیرگذار نبوده است و علت آن را باید در تغییر سیاست‌های پ.ک.ک، سیاست آشتی حزب عدالت و توسعه و فعالیت گروه‌های وابسته به کردها و هویت‌خواهی آن‌ها جست‌وجو کرد. پ.ک.ک از نیمه دهه 1990، برنامه استقلال‌خواهی خود را به عنوان یک هدف کنار گذاشته و بیشتر بر پایه نظر عبدالله اوجالان، متأثر از نظام‌های سیاسی حداکثر کنفدرالی یا حداقل فدرالی، در چارچوب مرزهای ترکیه امروزی حرکت و اقدام می‌کند و کردها در پی مشارکت سیاسی هستند نه جدایی طلبی. مشکل کردها در ترکیه تنها یک مشکل اقتصادی نیست که با توسعه اقتصادی برطرف شود. بین فقر و بنیادگرایی رابطه مستقیمی وجود دارد، اما درباره گرایش‌های تجزیه‌طلبانه نمی‌توان چنین گفت. بلکه مانند کشورهای دارای اقتصاد توسعه‌یافته چون کبک در کانادا، ایرلند در انگلیس، باسک و کاتالان در اسپانیا، یک مشکل هویتی است و تا زمانی که ترکیه به هویت‌های دیگر احترام نگذارد این مشکل حل نخواهد شد. پروژه گاپ، فاقد تأثیر منفی بر پ.ک.ک بوده و حتی سبب افزایش جذب نیرو به آن خواهد شد. زیرا، هیدروپلیتیک ترکیه در منطقه، سبب افزایش نارضایتی‌ها در میان کردها می‌شود. یکی دیگر از مسائلی که این گروه درباره توسعه‌نیافتگی اقتصادی-اجتماعی منطقه گاپ مطرح کرده‌اند، این است که بافت اجتماعی در مناطق جنوب

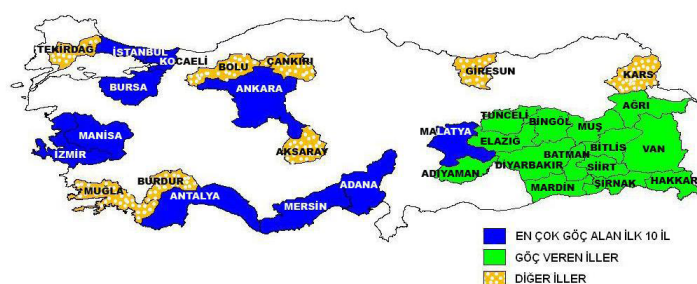


شرقی ترکیه، همچنان به شکل عشیره‌ای باقی مانده است و ساختار مالکیت زمین و فتودالیم از موانع توسعه به شمار می‌آید و منافع دولت ترکیه در روابط گسترده با فتودال‌ها است تا سایر مردم. از مسائل مهم مورد اختلاف بین موافقان و مخالفان، اعتقاد به توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه گاپ است. پیش فرض موافقان برای افزایش مشارکت سیاسی کردها، کاهش عضوگیری پ.ک.ک و کاهش گرایش به استقلال‌خواهی، توسعه اقتصادی-اجتماعی مناطق کردنشین است. آیا توسعه اقتصادی-اجتماعی در نتیجه اجرای پروژه گاپ در منطقه آناتولی جنوب شرقی رخ داده است؟ به منظور پاسخ به این پرسش شاخص‌های مهاجرت، بیکاری، تورم و میزان سرمایه اختصاص یافته به مناطق کردنشین ترکیه بررسی شده است.

۲-۵. مهاجرت

مهاجرت از استان‌های منطقه گاپ در ترکیه بیشتر از مناطق دیگر است. در شکل شماره (1) همه استان‌های منطقه گاپ، که در شرق (سمت راست نقشه) نشان داده شده‌اند، مهاجر فرست هستند و استان‌های غربی مهاجر پذیر بوده‌اند.

شکل شماره (1). وضعیت استان‌های ترکیه به لحاظ مهاجرت (۲۰۰۶)



انتظار می‌رفت که با اجرای پروژه گاپ، میزان مهاجرت از منطقه گاپ کاهش یافته و مهاجرت معکوس رخ دهد. اما چنین نشد و این مهاجرت‌ها، سبب خروج سرمایه‌های انسانی و مادی از شرق به غرب ترکیه و فقیر شدن منطقه به لحاظ نیروی انسانی و مادی شد. دلیل اصلی مهاجرت‌ها، فقر و فقدان امنیت است. به رغم مهاجرت گسترده، علت حفظ جمعیت این منطقه، بالا بودن نرخ باروری زنان منطقه با شاخص 4/92 بوده است (Sonmez, 2008, 4). نام استان‌های دارای بالاترین آمار مهاجرت در شکل شماره (2) مشخص شده است. بر اساس داده‌های این شکل، استان‌های منطقه گاپ، بیشترین آمار استان‌های مهاجرت فرست را به خود اختصاص داده‌اند. در سال 2015-2016، حکاری، با 37 درصد، بیشترین میزان کوچ به خارج را داشته است.

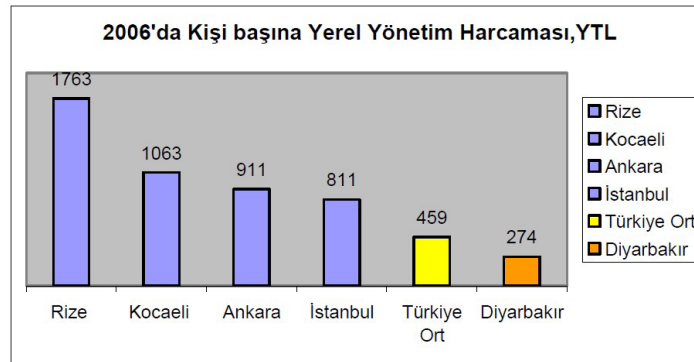
شکل شماره (۲). نرخ مهاجرت به داخل و خارج استان‌ها (۲۰۱۷)

EN ÇOK NET GÖÇ VEREN İLLER														
2007 - 2008				2011 - 2012				2015 - 2016						
İl	Aldığı göç	Verdiği göç	Net göç	Net göç hızı (%)	İl	Aldığı göç	Verdiği göç	Net göç	Net göç hızı (%)	İl	Aldığı göç	Verdiği göç	Net göç	Net göç hızı (%)
Erzurum	18 999	43 585	- 24 586	-31.2	Diyarbakır	30 789	47 575	- 16 786	-10.5	İstanbul	369 582	440 889	- 71 307	-4.8
Diyarbakır	31 677	47 777	- 16 100	-10.7	Ağrı	12 858	27 984	- 15 126	-27.0	Van	28 902	49 035	- 20 133	-18.1
Muş	10 058	25 898	- 15 838	-38.4	Adana	45 927	59 294	- 13 367	-6.3	Mardin	21 439	38 823	- 17 384	-21.6
Ağrı	12 195	27 450	- 15 255	-28.3	Şanlıurfa	31 890	44 878	- 12 988	-7.3	Ağrı	14 308	30 811	- 16 505	-30.0
Yozgat	15 352	30 117	- 14 765	-30.0	Muş	9 914	20 848	- 10 732	-25.6	Diyarbakır	39 177	55 604	- 16 427	-9.8
Mardin	27 606	41 432	- 13 826	-18.2	Erzurum	22 551	33 234	- 10 683	-13.6	Şırnak	11 102	24 122	- 13 020	-26.6
Adana	45 493	58 316	- 12 823	-6.3	Yozgat	14 646	24 525	- 9 879	-21.6	Şanlıurfa	38 662	49 789	- 11 127	-5.7
Şanlıurfa	25 510	37 282	- 11 772	-7.5	K. Maraş	19 908	29 487	- 9 579	-9.0	Muş	11 309	21 683	- 10 374	-25.2
Sivas	18 871	30 428	- 11 557	-18.1	Samsun	32 249	41 581	- 9 312	-7.4	Hakkari	5 945	18 087	- 10 122	-37.1
Konya	45 502	66 780	- 11 258	-5.7	Mardin	21 678	30 299	- 8 623	-11.1	Erzurum	26 957	36 340	- 9 383	-12.2
Bitlis	11 721	20 957	- 9 236	-27.9	Zonguldak	14 279	22 687	- 8 408	-13.8	Adana	51 468	60 759	- 9 293	-4.2
Van	21 187	30 275	- 9 088	-9.0	Adıyaman	14 323	22 591	- 8 268	-13.8	Kars	10 209	18 590	- 8 381	-21.8
Kars	8 855	17 726	- 8 871	-28.0	Hatay	27 280	35 139	- 7 879	-5.3	Bitlis	12 571	18 074	- 5 503	-16.0
Adıyaman	12 155	20 971	- 8 816	-15.0	Çorum	13 289	20 610	- 7 321	-13.7	Sirt	10 775	15 088	- 4 293	-13.2
Çorum	15 828	24 072	- 8 244	-15.0	Mersin	46 721	53 523	- 6 802	-4.0	Gaziantep	45 728	50 003	- 4 277	-2.2

۳-۵. وضعیت توزیع سرمایه گذاری در ترکیه

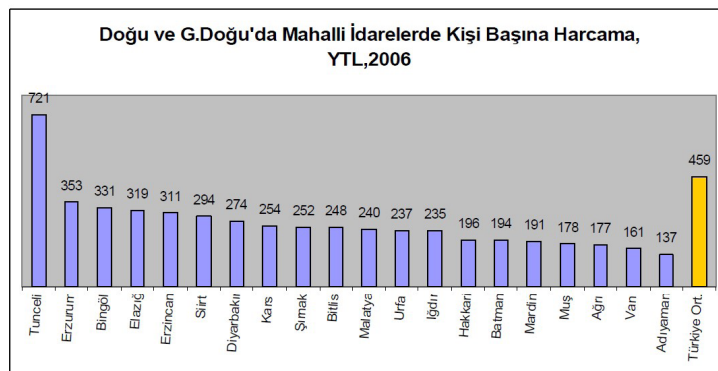
در شکل شماره (3)، وضعیت سرانه هزینه دولتی محلی اختصاص یافته در سال 2006 نشان داده شده است. نمودارهایی که با رنگ بنفش مشخص شده‌اند، استان‌های غربی، نمودار زرد رنگ، میانگین سرانه در ترکیه و رنگ نارنجی، استان دیاربکر در منطقه گاپ و یکی از بزرگ ترین استان‌های کردنشین ترکیه است. میزان سرانه اختصاص یافته به این استان، بسیار کمتر از میانگین کشوری است (Sonmez, 2008, 7).

شکل شماره (۳). سرانه هزینه دولتی محلی (۲۰۰۶)



در شکل شماره (4) هزینه‌های اختصاص یافته به اداره‌های محلی به تفکیک استان‌های شرق و جنوب شرقی نشان داده شده است. میزان سرانه اختصاص یافته به 20 استان از 21 استان مناطق شرق و جنوب شرقی، بسیار کمتر از میانگین کشوری ترکیه بوده است.

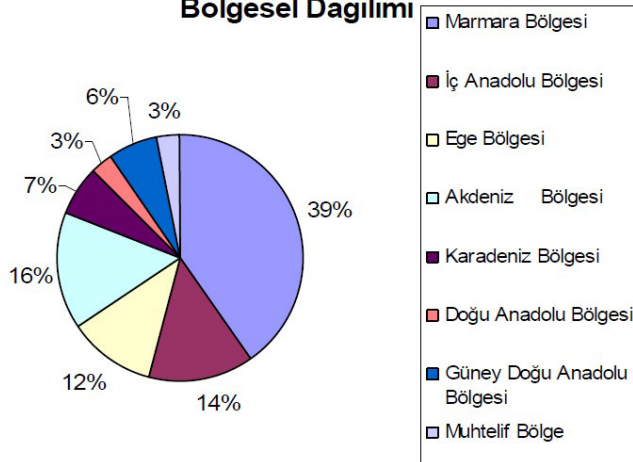
شکل شماره (۴). هزینه‌های اختصاص یافته به اداره‌های محلی (۲۰۰۶)



در شکل شماره (۵)، میزان توزیع منطقه‌ای سرمایه‌گذاری‌های تشویقی در دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۲ نشان داده شده است. در حالی که مناطق شرق و جنوب شرقی آناتولی، حدود ۱۸ درصد از جمعیت ترکیه را به خود اختصاص داده‌اند، اما سهم آن‌ها از سرمایه‌گذاری‌ها تنها ۹ درصد بوده و اولویت دولت، هزینه‌های نظامی و پلیسی بوده است که از مالیات‌دهندگان طبقه متوسط و پایین اجتماع دریافت می‌شود. مشکلات بیکاری و فقر نیز در این منطقه وجود دارد (Sonmez, 2008, 3).

شکل شماره (۵). توزیع منطقه‌ای سرمایه‌گذاری‌های تشویقی (۲۰۰۶)

2002-2006 Dönemi Teşvikli Yatırımların Bölgesel Dağılımı

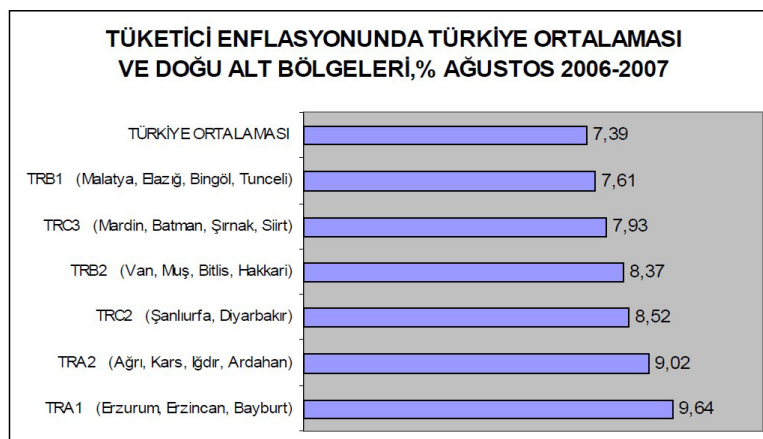


۴-۵. تورم

در شکل شماره (۶)، میانگین تورم قیمت مصرف‌کننده در ترکیه و مناطق شرق و جنوب شرقی ترکیه آمده است. همان‌گونه که قابل مشاهده است، تورم برای مصرف‌کننده در همه مناطق کردنشین، بیشتر از میانگین کشور ترکیه است (Sonmez, 2008, 11).



شکل شماره (۶). میانگین تورم قیمت مصرف کننده (۲۰۰۶)

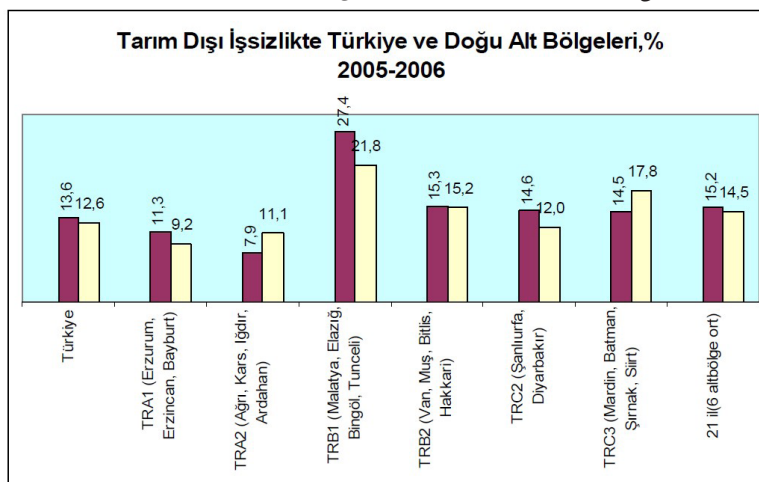


۵-۵. بیکاری

در زمان حکومت حزب عدالت و توسعه، مدت‌ها تصور بر این بود که در مناطق شرق و جنوب شرقی، روند رشد وجود دارد و اشتغال افزایش یافته است و این مناطق از نعمت رشد و اشتغال بهره‌مند می‌شوند. اما آمارها نشان داده‌اند که این گونه نیست و بیکاری در این مناطق، بسیار بالاتر از میانگین کشوری ترکیه است. بیکاری، به ویژه در مناطق شهری، از بزرگ‌ترین مشکلات به‌شمار می‌آید. تنها 48 درصد از جمعیت 15 تا 65 ساله این مناطق، شاغل هستند. البته بیکاری پنهان را نیز باید در نظر گرفت که در این صورت، نرخ بیکاری بسیار بالاتر از حد مطرح شده است (Sonmez, 2008, 12). در سال 2010 با پیشرفت 28 درصدی پروژه گاپ، وزیر توسعه ترکیه - جودت ییلماز¹⁶ - اذعان داشته است که نمی‌داند گاپ چگونه بر بیکاری تأثیر گذاشته است که نرخ بیکاری در منطقه گاپ به 80 درصد رسیده است (Evrensel Gazetes, 2010).

در شکل شماره (7)، میزان بیکاری در بخش غیرکشاورزی در سال‌های 2005-2006 نشان داده شده است. میانگین بیکاری در 21 استان شرق و جنوب شرقی ترکیه، بیشتر از میانگین ترکیه و در استان‌هایی مانند بینگول، تونجلی، آلازی و مالاتی حدود دو برابر میانگین کشور ترکیه است.

شکل شماره (۷). میزان بیکاری در بخش غیرکشاورزی (۲۰۰۵-۲۰۰۶)



بررسی‌های آماری حاکی از این است که وضعیت اقتصادی منطقه گاپ بهبود پیدا نکرده است و درموردی نیز وضعیت شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نامناسب‌تر نیز شده است و این شاخص‌ها، با وضعیت میانگین ترکیه فاصله زیادی دارند. در نتیجه، این پروژه به اهداف اعلامی خود دست نیافته است. با گذشت بیش از چهل سال از آغاز پروژه، مهاجرت معکوس به منطقه به دلیل رشد و توسعه اتفاق نیفتاده است. ساخت سدها و در نتیجه آن، آواره کردن مردم منطقه و عدم اسکان آن‌ها و پایین بودن شاخص‌های اجتماعی اقتصادی منطقه نسبت به میانگین کشوری ترکیه، سبب شده است که نرخ مهاجرت از این منطقه، کماکان زیاد بوده و نگرانی از خالی شدن منطقه از جمعیت وجود دارد. نتایج به دست آمده بر پایه روش دلفی، حاکی از این است که 50 درصد اعضا این عقیده را دارند که پروژه گاپ، سبب توسعه مناطق گاپ و در نتیجه افزایش مشارکت سیاسی کردها شده است و به علت کاهش بیکاری، عضوگیری پ.ک.ک و مبارزات مسلحانه نیز کاهش یافته است. در حالی که این پیش فرض با آمار مطابقت ندارد. پروژه گاپ، سبب توسعه اقتصادی در منطقه اجرای آن نشده و منجر به انتقال انرژی الکتریکی به مناطق غرب ترکیه شده است که بیشتر در راستای توسعه کلان و زیرساختی ترکیه است و نگرش ملی در بازمینی سند، بیشتر در نظر گرفته شده است تا توسعه مناطق کردنشین جنوب شرق ترکیه. مهم‌ترین مانع در مسیر توسعه منطقه و استفاده از ظرفیت پروژه گاپ، غالب شدن نگاه امنیتی به مسئله کردها است که شکل شماره (5) به طور کامل، گویای این مسئله است. در این شکل، اولویت هزینه‌های دولت در منطقه گاپ، هزینه‌های امنیتی و پلیسی است. شاید بتوان گفت، منشأ تفاوت میان نتایج آماری و نیمی از اعضای دلفی، تبلیغات ترکیه و امکان‌ناپذیری مطالعات آزاد و بی طرفانه در منطقه گاپ است. به دلیل نگاه امنیتی ترکیه به مسئله کردها و منطقه گاپ، امکان مطالعه دقیق آثار اقتصادی اجتماعی این پروژه



در مناطق کردنشین وجود ندارد.

6-5. بررسی تأثیر پروژه گاپ بر هویت مردم کرد ترکیه و ایجاد هویت ملی مشترک پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که ترکیه با بحران هویت روبه‌رو است. باری بوزان نیز در آثار خود به بحران هویت ترکیه اشاره کرده است. ترکیه، تلاش‌های بسیاری برای حذف هویت کردی، جذب آن در هویت ترکی و رفع بحران هویت انجام داده است. یکی از این تلاش‌ها، پروژه گاپ است که هزینه بسیاری نیز صرف آن شده است. پرسش این است که «آیا این پروژه در دستیابی به این هدف موفق بوده است؟» نتایج پژوهش‌های کتابخانه‌ای حاکی از عدم تأثیرگذاری آن بر ایجاد هویت مشترک در ترکیه است. فرضیه پژوهش این بود که «سیاست‌های آبی ترکیه، بخشی از راهبرد این کشور برای از بین بردن هویت کردی مردم کرد ترکیه است و این پروژه تأثیری بر ایجاد هویت ملی ترکیه ندارد». در پژوهش حاضر سعی شده است فرضیه مطرح شده با استفاده از دیدگاه‌های خبرگان، بررسی شده و به پرسش مطرح شده پاسخ داده شود.

فرضیه پژوهش در دور نخست دلفی در قالب یک پرسش مطرح شد:

"هیدروپلیتیک ترکیه چه تأثیری بر هویت مردم کرد ترکیه خواهد داشت؟"

پاسخ‌های داده شده به این پرسش در دور نخست، در دور دوم، طبقه‌بندی شده و به اعضا بازخورد داده شد. نتایج دور دوم نیز در پرسشنامه دور سوم برای اعضای دلفی فرستاده شد. پرسش‌های دور دوم و سوم و نتایج آن در جدول‌های شماره (7) و (8) ارائه شده‌اند.

جدول شماره (7). نتایج پاسخ به پرسش‌های دور دوم دلفی

جدول شماره (7). نتایج پاسخ به پرسش‌های دور دوم دلفی

ردیف	پرسش	درصد پاسخ‌های بله	درصد پاسخ‌های خیر	درصد پاسخ‌های مشروط	درصد پرسش‌های بی‌پاسخ
۱	به نظر شما، تأثیر گاپ بر هویت کردی منفی است؟ و سبب حذف هویت کردی می‌شود؟	۵۵ درصد	۴۵ درصد	۰	۰
۲	به نظر شما، پروژه گاپ بر هویت کردی اثرات مثبت‌انداز دارد؟	۱۸ درصد	۷۳ درصد	۹ درصد	۰
۳	به نظر شما، پروژه گاپ بر هویت کردی بی‌تأثیر است؟	۱۸ درصد	۵۵ درصد	۲۷ درصد	۰
۴	به نظر شما، پروژه گاپ می‌تواند با جذب کردها باعث ایجاد هویت ملی و هویت مشترک در ترکیه شود؟	۳۶ درصد	۵۵ درصد	۹ درصد	۰

جدول شماره (۸). نتایج پاسخ به پرسش‌های دور سوم دلفی

ردیف	پرسش	موافقم	مخالقم
۱	تأثیر گاپ بر هویت کردی منفی است.	۷۳ درصد	۲۷ درصد
۲	پروژه گاپ نمی‌تواند با جذب کردها، باعث ایجاد هویت ملی و هویت مشترک در ترکیه شود.	۸۲ درصد	۱۸ درصد

نتایج دلفی با ۷۳ درصد آراء حاکی از تأثیر منفی بر هویت کردی و با ۸۲ درصد آراء بیانگر این است که پروژه گاپ نمی‌تواند سبب ایجاد هویت مشترک در ترکیه شود. با توجه به یافته‌های پژوهش، گاپ از چندین طریق می‌تواند بر هویت کردی تأثیرگذار باشد:

۱-۶-۵. کوچ مردم کرد و مهاجرت نیروی کار ترک به مناطق کردنشین

طرح‌های گوناگون سدسازی در قالب گاپ، سبب آواره شدن و مهاجرت اجباری و گسترده مردم کرد به مناطق غربی ترکیه شده است. کوچ‌های اجباری، پیامدهای متفاوتی برای هویت کردی دارد. از یک سو، سبب افزایش آگاهی ملی کردهای مهاجر از تبعیض جدی در استان‌های غربی بین ترک‌ها و مهاجران کرد شده و این آگاهی در حال افزایش است. از سوی دیگر، با مهاجرت مردم از منطقه گاپ به غرب، جذب زبان و فرهنگ ترکی شده و همگون‌سازی فرهنگی رخ می‌دهد. به گونه‌ای که بسیاری از کردها به زبان مادری خود صحبت نمی‌کنند یا زبان مادری را زبان دوم خود می‌دانند.

با توجه به اینکه نیروی کار طرح‌های گاپ، بیشتر از مردم غیرکرد و ساکن استان‌های غربی تأمین می‌شود، در نتیجه سبب مهاجرت نیروی کار از مناطق غربی ترکیه به مناطق کردنشین می‌شود. مهاجرت نیروی کار ترک، اعم از کارگران و مهندسان به منطقه گاپ، سبب تغییر بافت جمعیتی می‌شود. با تغییر جمعیت منطقه یاد شده، هویت محلی نیز دچار تغییر و تهدید خواهد شد. ورود نیروهای کار و به همراه آن، تغییرات ساختاری و غصب زمین‌های محلی برای ساخت و ساز نیز از خطرهایی است که با تغییرات توسعه‌ای در منطقه به وجود خواهد آمد.

۲-۶-۵. تخریب آثار باستانی و هویتی کردها

پروژه گاپ، مناطق قدیمی و تاریخی ای مانند حسن کیف را زیر آب برده است و از بین بردن میراث تاریخی هزاران ساله یک جامعه، به معنای از بین بردن هویت یک جامعه است و گاپ بر هویت کردی تأثیر ویرانگری خواهد گذاشت.

۳-۶-۵. نگاه امنیتی به پروژه گاپ و مناطق کردنشین

به دلیل نگاه امنیتی به پروژه گاپ، موضوع هویت برجسته‌تر شده و سبب تقویت جنبش کردها در ترکیه و ایجاد هویت کردی در میان کردهای جوان شده است. اگر این پروژه با نگاهی توسعه‌ای و غیرسیاسی دنبال می‌شد، سبب رفاه اقتصادی و در نتیجه، مشارکت بیشتر کردها می‌شد. رفاه اقتصادی می‌تواند ثبات سیاسی را به همراه داشته و این امر خود به رضایت مردم،



اقوام و گروه‌های مختلف در یک جامعه منجر خواهد شد که یکپارچگی ملت را در پی خواهد داشت. اگر پروژه گاپ تنها یک طرح توسعه‌ای برای مناطق کردنشین بود، می‌توانست به نزدیکی بیشتر مردم کرد با مفاهیم مشترک ملی و فاصله گرفتن تدریجی آنان از پافشاری بر هویت مستقل کردی بینجامد. زیرا، توسعه درک درست‌تری از هویت‌ها به دست می‌دهد و پروژه گاپ می‌توانست باعث سنتز کرد-ترک شود. اگر پروژه سبب توسعه منطقه و کاهش شکاف اقتصادی شرق و غرب ترکیه می‌شد، می‌توانست در ایجاد حس عدم تبعیض و مشارکت، مؤثر باشد. موضوعی که البته باید با سیاست‌های مثبت دیگر همراه باشد تا بدون از بین بردن هویت کردی، باعث ایجاد هویت مشترک شود.

پروژه گاپ ترکیه، پیامدهای منفی برای هویت کردی دارد که یکی از آشکارترین آن‌ها، تخریب آثار باستانی کردها است که بخشی از هویت آن‌ها به‌شمار می‌آید. البته این پروژه نتوانسته است سبب از بین رفتن هویت کردی شده و حتی باعث افزایش آگاهی هویتی کردهای جوان شده است. یکی از دلایل اصلی ناکارایی پروژه در ایجاد هویت مشترک در ترکیه، نگاه امنیتی به مناطق کردنشین و پروژه گاپ است و این پروژه را باید در راستای توسعه آب‌محور و پایدار ترکیه ارزیابی کرد تا عزم جدی برای حل مسئله کردی. یکی از اهداف اصلی ترکیه از اجرای گاپ، ایجاد موانع طبیعی در مسیر مبارزان پ.ک.ک و قطع ارتباط آن‌ها با کردهای ساکن ترکیه و عراق است. در واقع، دولت ترک در پی ایجاد هویت مشترک نیست، بلکه هدف آن ذوب هویت کردی در یک هویت ترک است و به همین دلیل این پروژه نمی‌تواند سبب ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه شود. هویت کردی در ترکیه پذیرفته نشده است و کردها را ترک‌های کوهی می‌نامند که باید آن‌ها را متمدن کرد و تا مدت‌ها صحبت به زبان کردی یا استفاده از لباس، نام و نشان کردی با مجازات‌های سنگین و حتی مرگ همراه بود. تا زمانی که دو هویت متفاوت همدیگر را به رسمیت نشناسند، ایجاد هویت مشترک امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

در الگوهای دولت‌مملت بوزان، جمهوری ترکیه، «دولت چندملیتی» است. ملت مسلط ترک در ترکیه کوشیده است که ملت کرد را از راه‌های مختلف و متفاوتی، از کشتار گرفته تا جذب فرهنگی و قومی، سرکوب کند. این دولت امپریال، در برابر تقسیمات ملی خود آسیب‌پذیرتر است. زیرا، دولت ترک فاقد تاریخ و هویت مشترک با کردها و در معرض چالش‌های جدی هویت و امنیت ملی است. جمهوری ترکیه، همان‌گونه که بوزان بیان کرده است، به دلیل فقدان هویت انسجام‌یافته ملی، در شرایط دولت‌های ضعیف قرار دارد. ترکیه از کشورهای پرآب منطقه است و افزون بر این، با مسئله کردی و بحران هویت روبه‌رو بوده و سعی کرده است با ابزارهای گوناگونی از جمله استفاده از ابزار آب و پروژه‌ای همچون گاپ، مسئله کردی و بحران هویت را حل کند. در پژوهش حاضر، پیامدهای سیاسی پروژه گاپ، از جمله تأثیر آن بر مشارکت



سیاسی مردم کرد ترکیه، فعالیت‌های پ.ک.ک و ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه به روش دلفی بررسی شده است. نتایج دلفی حاکی از این است که پروژه ذکر شده بر فعالیت‌های پ.ک.ک و مشارکت سیاسی مردم کرد، تأثیر ملموسی نداشته و تغییر در این موارد، ناشی از متغیرهای دیگری از قبیل تغییر سیاست‌های پ.ک.ک از سال 1999 به این سو، سیاست آشتی حزب عدالت و توسعه و... است. افزون بر این، اگر پیش فرض مشارکت سیاسی مردم را توسعه اقتصادی-اجتماعی بدانیم به دلیل اینکه توسعه‌ای که اعلام شده بود، تا امروز رخ نداده است در نتیجه، تغییری در مشارکت‌های سیاسی نیز اتفاق نمی‌افتد. پروژه گاپ ترکیه پیامدهای منفی برای هویت کردی دارد که یکی از آشکارترین آن‌ها، تخریب آثار باستانی کردها است که بخشی از هویت آن‌ها به‌شمار می‌آید. اما این پروژه به دلیل نگاه امنیتی نمی‌تواند سبب ایجاد هویت ملی مشترک در ترکیه شود. در خاورمیانه، منازعه بر سر آب و نفت را باید به منازعات سنتی سرزمینی، رقابت‌های ایدئولوژیک، رقابت بر سر موقعیت و قدرت و شکاف‌های فرهنگی و قومی افزود. در گذشته، منازعات در خاورمیانه بر سر نفت و مسئله فلسطین بوده است، اما پیش‌بینی می‌شود که در آینده منازعات بر سر «آب و مسئله کرد» خواهد بود. بنابراین، نخبگان ایران نباید در مقابل سیاست‌های آبی ترکیه منفعلانه عمل کنند. ایران از یک سو، در معرض پیامدهای زیست‌محیطی پروژه گاپ ترکیه است و از سوی دیگر، با توجه به اشتراک قومی کرد، هر نوع سیاست ترکیه در مورد کردها، بر ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود. ترکیه از قربت نژادی، فرهنگی، تاریخی و زبانی با کردها برخوردار نیست و کردها به اجبار در درون مرزهای سیاسی آن قرار گرفته‌اند. ولی کردها با ایران، قربت فرهنگی، تاریخی، نژادی و زبانی داشته و جزء اقوام ایرانی هستند. از این رو، بهتر است که ایران با تغییر نگاه امنیتی به فرهنگی و اقتصادی، مناطق کردنشین کشورهای ترکیه، سوریه و عراق را عمق راهبردی خود قرار دهد.



References

- Assari, M. (2018). Legal impact of the GAP on the Turkish government's obligations to the Tigris and Euphrates. Master thesis, Tehran. (in Persian)
- Bilgen, A. (2018). The Southeastern Anatolia Project (GAP) From 1977 to 2017: A Qualitative and Multidimensional Analysis of the 40 years of GAP. *New Perspectives on Turkey*, No.58: 125-154.
- Buzan, B. G. & Waever, O. (2009). *Regions and powers*. Translated by Rahman Ghahramanpour. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (in Persian).
- Buzan, B. G. (1999). *People, States, and fear*. Translated by Research Institute for Strategic Studies. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (in Persian).
- Chegnizadeh, Gh. A. & Asartamr, M. (2009). Kurdish Ethnic Movements and Turkish National Security. *Foreign Relations Quarterly*, 2 (185-218). (in Persian).
- Dashtali, M. A. (2016). Turkey and Kurdish challenge. *Strategic Studies Quarterly*, 176 (71-171). (in Persian).
- Davutoglu, A. (2016). *Stratejik Derinlik : Türkiye'nin Uluslararası Konumu*. Translated by Mohammad Hossein Nouhi Nejad Mamqani. Tehran: Amirkabir Publication. (in Persian).
- Farahmand, S. & Samiei, A. (2018). Explain the Approaches of the Turkish Justice and Development Party Towards the Kurds: from National Reconciliation to the Repression. *International Political Research Quarterly of Shahreza Branch of Azad University*, 118 (34-90). (in Persian).
- Ghaem Maghami, S. A. (2017). Water Crisis and Turkey's Cross-Border Streams and Iran's National Security and Environment. *Quarterly. Journal of National Interest Studies*, 7 (97-117). (in Persian).
- Habibi, A; Sarafrazi, A. & Izadyar, S. (2014). Delphi Technique Theoretical Framework in Qualitative Research¹, *The International Journal Of Engineering And Science (IJES)*. 3(4): 8-13.
- Kurt, C (2013). The impact of the Southeast Anatolia Project (GAP) on Displaced Families: Household Livelihoods and Gender Relations. For Degree of Doctor of Philosophy, Newcastle.
- Maleki, S. (2017). Erdogan Seeks to Change the Demographics in Kurdish Regions: The Identity Crisis in Turkey. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1970055>. (in Persian).
- McDowal, D. (2001). *A Modern History of the Kurds*. Translated by Ibrahim Younesi. Tehran: Paniz Publication. (in Persian).
- Mehrabi, A. Ghamparvar, A. (2011). Factors Affecting Kurdish Divergence and the Crisis in Turkish Kurdistan. *Geopolitics Quarterly*, 7 (183-213). (in Persian).
- Meijer, L. (2018). *The Southeastern Anatolia Project (GAP): Water Counterinsurgency*



and Conflict. Kuwait Program at Sciences Po.

Mohammadi Khosravi, A; Shahandeh, B; Athari, S. A. & Hermidas Bavand, D. (2020). Southeast Anatolia Project in the Context of Turkey's National Identity Crisis. *World Politics Quarterly*, 9 (85-116). (in Persian).

Moradi Tadi, M. R. (2017). Water and Politics; A Review of the Water Politicization Process. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9 (71-90). (in Persian).

Navari, A. (2019). Operation of the Ilisu Dam in Turkey and International Water Law Standards. *Journal of Public Law Research*, 63 (161-189). (in Persian).

Pashaei, H. (2007). An Overview of the Delphi Method. *Paik-e Noor*. 2:63-79.

Qamarnia, H. Golchin, M. (2017). Investigation of GAP and Ilisu Dam in Turkey and its Effects on Iran and Middle East Countries. Kermanshah: Razi University. (in Persian).

Randal, J. (2000). *After Such Knowledge, What Forgiveness? My Encounters with Kurdistan*. translated by Ibrahim Younesi. Tehran: Paniz Publication. (in Persian).

Shahrabi Farahani, A. (2017). Gap Downstream: A report on Turkey's Implications for Iraq and Syria. *Business Journal*, 229 (56-59). (in Persian).

Skulmoski, G; Hartman, F. & Krahn, J. (2007). The Delphi Method for Graduate Research. *Journal of Information Technology Education*, 6.

Somerville, J. A. (2008). *Effective Use of the Delphi Process in Research: Its Characteristics, Strengths and Limitations*: Oregon State University.

Sonmez, M. (2010). Growing poverty in the East-Southeast and the Solution: Peace. (in Turkish).

Statute of Demographic Studies, Hacettepe University (2006). (Survey of Immigrant and Displaced Population in Turkey. Ankara. (in Turkish).

T.R.T (2019). The Turkish Language has Led to a National Culture and National Identity. Available at: <https://www.trt.net.tr/persian/trkhyh/%201276557>. (in Persian).

Tabnak (2018). Turkey's Water Policy and the Disasters that Befall Iran, Iraq and Syria. Available at: <http://www.tabnak.ir/fa/news/795494/>. (in Persian).

Tsakalidou, I. (2013). The Great Antolian Project: Is Water Management a Panacea or Crisis Multiplier for Turkey's Kurds?. *New Security. Beat Environmental Change and Security Program*. Available at: <http://www.css.ethz.ch/en/services/digital-library/articles/article.html/167922>.

Universal Newspaper. (2010). Unemployment Rate in the GAP Region is 80 Percent. (in Turkish).

Woudenberg, F. (1991). An Evaluation of Delphi Technological Forecasting and Social Change. 40: 131-50.

www.gap.gov.tr. (in Turkish).



۴۵۴

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲